چرا آتش بس در غزه کافی نیست

راجی سورانی

توصیف مرگ و ویرانی در غزه غیرممکن است. اینجا، در غزه، که نشسته ایم حتا درک این که چه رخ می دهد دشوار است.

هفته پیش، شاهد حمله دیگری به یکی از مجتمع های سازمان ملل بودیم که به غیرنظامیان پناه داده بود. ۱۷ تن کشته و ۱۲۰ تن زخمی شدند. حمله دیگری به بازاری در شجاعیه در ساعت هایی که گمان می رفت آتش بس باشد

به کشتن ۱۸ تن و زخمی شدن در حدود ۲۰۰ تن انجامید.

امروز اسراییل در رفح، یکی دیگر از مدارس زیر نظر موسسه امداد آوارگان فلسطینی UNRWA را که سرپناه هزاران تن بود بمباران کرد و ده تن را کشت. حتا وزارت خارجه آمریکا بیانیه نادری در محکومیت اسراییل منتشر کرد که در آن

این حمله را «تاسف برانگیز» و «شرم آور» خواند.

این کابوس است، اما کابوسی که می دانیم نمی توانیم با بیدار شدن به آن پایان دهیم.

دکترین غزه اسراییل که غیرقانونی مناطق پرجمعیت غیرنظامی و خانه ها را می کوبد، وحشت بی حد و مرزی می آفریند.

اسراییل به عمد غیرنظامیان را مجازات می کند تا بر حماس فشار سیاسی وارد کند. اسراییل ۸/۱ میلیون شهروند نوار غزه را دسته جمعی تنبیه و مجازات می کند. وگرنه، این آمار و ارقام را چگونه می توان به نوعی دیگر توضیح داد؟

آخرین ارقامی که مرکز حقوق بشر فلسطین (PCHR) گردآوری کرده نشان می دهند که ۱۸۱۷ فلسطینی کشته شده اند. از این عده، ۱۵۴۵ تن ــ میزان باورنکردنی ۸۵% ــ غیرنظامی بودند: به اصطلاح «اشخاص مورد حمایت» بر

اساس حقوق بین المللی بشردوستانه.

صدها هزار غیرنظامی آواره شده اند. به آنها دستور فرار داده اند اما جایی ندارند که بروند: پناهگاه های سازمان ملل که به غیرنظامیان جا می دهد بارها هدف قرار گرفته اند. نوار غزه ویران است. درک ویرانی شجاعیه مشکل است.

حتا نیروگاه به خرابه تبدیل شده است. بیمارستان های ما چطور باید به کار ادامه دهند؟ مراکز تصفیه فاضلاب چطور؟ چطور باید به آب سالم دست پیدا کنیم؟

خواست های ما

در این میان، ما خواهان پایان یافتن خشونت هستیم. پایان این وحشت و این رنج هستیم. این همه کودک کشته شده اند. جنایت های جنگی واقعیت روزمره ما شده اند.

اما آتش بس کافی نیست.

ما خواهان عدالت هستیم. خواهان پاسخگویی هستیم. می خواهیم به عنوان انسان با ما رفتار شود و کرامت انسانی ذاتی ما به رسمیت شناخته شود. خواهان پایان یافتن محاصره غزه هستیم.

در هفت سال گذشته، اسراییل نوار غزه را در محاصره کامل قرار داده است. اسراییل با بستن مرزها غزه را آهسته خفه و ما را به عمد محکوم به حرکت در مسیر توسعه نیافتگی کرده است.

پیش از تهاجم جاری، ۶۵ درصد مردم بی مزد یا بیکار بودند. هشتاد و پنج درصد مردم به کمک های غذایی سازمان های بین المللی وابسته بودند. بیماران نیازمند درمانِ نجات بخش که در غزه ممکن نیست مجاز به ترک غزه نبودند و

فوت می کردند.

زندگی در محاصره زندگی نیست. ما نمی توانیم به این واقعیت بازگردیم. من نمی توانم هفت سال محاصره بیشتر را مجسم کنم. محاصره نبودِ امید را نشان می دهد. به معنای این است که جوانان غزه آینده ندارند. کار ندارند. امکان

خروج ندارند. وقتی جنگ شروع می شود، حتا نمی توانند فرار کنند.

اما محاصره تنها نیمی از واقعیت نوار غزه است. نیم دیگر نبودِ

کامل حاکمیت قانون است. جنایت های جنگی با معافیت کامل از مجازات رخ می دهد. خودِ محاصره جنایت جنگی و سیاست رسمی دولت اسراییل است.

علاوه بر آن، حمله های دایمی و تهاجم های مکرر انجام می شود. از زمان آغاز محاصره، این سومین تهاجم اساسی است. به معنای واقعی کلمه، هزاران غیرنظامی کشته شده اند. هزاران خانه و زندگی تخریب شده است.

معافیت کامل از مجازات

این جنایت های جنگی با معافیت کامل از مجازات انجام می شود. پس از عملیات سرب گداخته ــ ۲۷ دسامبر ۲۰۰۸ تا ۱۸ ژانویه ۲۰۰۹ ــ مرکز حقوق بشر فلسطین ۴۹۰ شکایت از طرف ۱۰۴۶ قربانی مطرح کرد. در پنج سال پس از آن،

فقط ۴۴ پاسخ دریافت کردیم. مسوؤلان اسراییلی تصمیم گرفتند که به ۴۴۶ شکایت دیگر حتا نباید پاسخ داد.

چه نتایجی به دست آمد؟

یک سرباز برای دزدیدن یک کارت اعتباری مجرم شناخته و به هفت ماه زندان محکوم شد.

دو سرباز به خاطر استفاده از پسری نه ساله به عنوان سپر انسانی مجرم شناخته شدند و هر یک به حبس تعلیقی به مدت سه ماه محکوم شد.

یک سرباز به خاطر «سوء استفاده از سلاح گرم» برای تیراندازی به گروهی از غیرنظامیانِ حامل پرچم های سفید که به مرگ دو زن انجامید، مجرم شناخته و به ۴۵ روز زندان محکوم شد.

این عدالت نیست. تاثیر این جنایت های جنگی مداوم و معافیت از مجازاتِ ناشی از آن کرامت و ارزش ما به عنوان انسان را نفی می کند؛ می گوید زندگی ما مقدس نیست؛ می گوید ما به حساب نمی آییم.

در رویارویی با این زیستن، خواست های ما زیاد نیستند. غیرواقعی هم نیستند.

ما می خواهیم با ما به عنوان برابر رفتار شود. می خواهیم به حق ما احترام بگذارند و از ما حفاظت کنند. خواهان اجرای حقوق بین

المللی به طور برابر در مورد اسراییل و فلسطین هستیم. حاکمیت حقوق بین المللی باید رعایت شود و

تمام مسوؤلان نقض حقوق حساب پس بدهند.

ما می خواهیم به اتهام های مربوط به جنایت های جنگی رسیدگی شود و مسوؤلان آنها مورد پیگرد قرار بگیرند. آیا این درخواست غیرمنطقی است؟

ما خواهان پایان یافتن محاصره هستیم. غیرقانونی بودن سیاست محاصره اسراییل مورد تردید نیست. کمیته بین المللی صلیب سرخ در یکی از بیانیه های نادر خود به صراحت گفت که سیاست محاصره اسراییل به معنای مجازات

دسته جمعی و نقض حقوق بین المللی است. پیامدهای این سیاست در واقعیت نوار غزه آشکار است.

ما خواهان برچیدن محاصره هستیم. می خواهیم از امکان زندگی با کرامت برخوردار شویم. آیا این درخواست غیرمنطقی است؟

اینها خواست های سیاسی نیستند. خواست هایی برای رفتار با ما به عنوان انسان هستند.

آتش بس کافی نیست. آتش بس به درد و رنج پایان نخواهد داد. تنها ما را از وحشت مرگ در زیر بمباران به وحشت مرگ در اثر خفگی تدریجی سوق خواهد داد.

ما نمی توانیم دوباره در قفسی زندانی بشویم که اسراییل هر زمان که بخواهد با تهاجم های وحشیانه و ویرانگر خود تکان دهد.

۳ اوت ۲۰۱۴ (۱۲ مرداد ۱۳۹۳)

[illegible]

منبع: وبگاه «انتفاضه الکترونیک»

متن انگلیسی: http://electronicintifada.net/conte …